

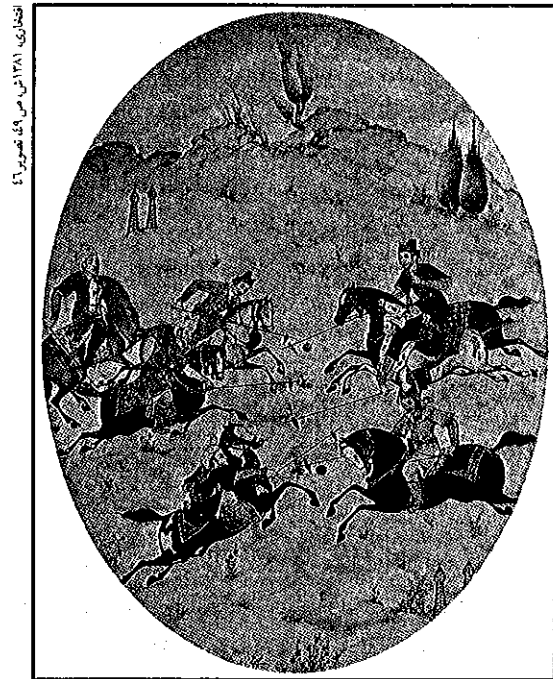
سنتی ایران معاصر»، هنرهای تجسمی، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۷)؛ محمود افشاری، «در سوگ روانشاد استاد محمدعلی زاویه مکتبدار ظرافت و لطافت»، فصلنامه هنر، ش ۱۹ (تابستان - پاییز ۱۳۶۹)؛ همو، نگارگری ایران دوران معاصر: ۱۳۰۰-۱۳۵۰ ش، تهران ۱۳۸۱ ش؛ فریدون تیمانی، «آشنائی با محمدعلی زاویه»، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۱۳ (آبان ۱۳۴۲)؛ «سیری در آثار علی جان علیجانپور: مینیاتورست معاصر»، فصلنامه هنر، ش ۱۷ (بهار-تابستان ۱۳۶۸)؛ جلال‌الدین کاشفی، «مینیاتورهای معاصر ایران: سنت و بدعت، کهنه و نو در قابی از چشم‌اندازهای تازه»، فصلنامه هنر، ش ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)؛ اردشیر مجرد تاکستانی، شیوه تذهیب، تهران ۱۳۸۱ ش.

/ هلن خوش چین گل /

## زاویه دلاء ← دلاء

**زاهدان**، شهر و شهرستانی در استان سیستان و بلوچستان\* و نیز مرکز این استان، در جنوب شرقی ایران. شهر نوین یاد زاهدان، تا پیش از ۱۳۰۹ ش، دزداب / دزدآب نامیده می‌شد. از دو روایت عمده درباره علت اطلاق واژه دزداب به آنجا (← جهانبانی، ص ۱۱؛ یغمائی، ص ۷۲؛ نیکبختی، ص ۸۸)، روایتی صحیح می‌نماید که وجه تسمیه آن را ویژگی خاک آنجا دانسته‌است، چراکه خاک سست و آمیخته با ریگ روان این نواحی به سهولت آب رودخانه یا چشمه‌های جاری را در خود فرومی‌برد و در نقاط کم‌ارتفاع‌تر ظاهر می‌گرداند (← مهرا، ص ۸۳؛ نیکبختی، همانجا؛ برای آگاهی از ویژگیهای زمین‌شناختی منطقه و نیز شهرت چند مکان دیگر در سیستان به دزداب ← فرمانفرما، ص ۹۳، ۱۸۳، ۲۱۲، ۲۳۹).

برپایه قدیم‌ترین اطلاع به‌دست‌آمده درباره دزداب، مبتنی بر سندی از ۱۲۶۵، دزداب تا پیش از این تاریخ آباد بود و در نتیجه ناامنی ظاهراً ناشی از تاخت‌وتاز دسته‌های راهزن، اهالی دزداب پراکنده و قناتهای آنجا ویران شدند. طبق این سند، حکومت مرکزی در دوره صدراعظمی امیرکبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸)، از حاکم سیستان و بلوچستان خواسته بود به آبادانی دزداب و حُرْمَک / حُرْمَک (در شمال دزداب) بپردازد (← سیاسی، ص ۲۸، ۳۲). اهتمام دولت مرکزی نتیجه‌بخش بود، چنان‌که افزون بر تسلط دولت بر آنجا و ساخت قلعه‌ای نظامی، با نام ناصرآباد در نزدیکی دزداب (← ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، ج ۲، ص ۴۷۶؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۱۰۷، ص ۷)، در سالهای بعد، دزداب مکانی نسبتاً آباد ذکر شده‌است، چنان‌که فرمانفرما در ۱۳۱۱ (ص ۱۹۴، ۲۰۲)، دزداب را دارای دو قنات و صد خانوار جمعیت و ملک دو رئیس طایفه‌های



چوگان‌بازی، اثر محمدعلی زاویه، ۱۳۲۴ ش

ص ۱۰۴-۱۰۶؛ افشاری، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۹). او در استفاده از «پرداز» (نقطه‌چینی) برای ایجاد حجم در چهره‌ها مهارت داشت. قلم‌گیری روان و محکم، ترسیم نازک‌ترین خطوط در ابعاد کوچک، و توانایی در به‌گرددش‌درآوردن رنگ در سطوح بسیار کوچک از ویژگیهای آثار اوست (اعتمادی، ص ۳۷؛ افشاری، ۱۳۸۱ ش، همانجا).

محمدعلی زاویه هنرمندی پرکار بود. شماری از آثار او در موزه هنرهای ملی نگهداری می‌شود (مجرد تاکستانی، همانجا). مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: خسرو و شیرین (۱۳۱۳ ش)؛ سلیمان و بلقیس (۱۳۱۶ ش)؛ حضرت یوسف و عزیز مصر (۱۳۱۹ ش)، با تذهیب نصرالله یوسفی؛ شاه‌عباس و هنرمندان وقت (۱۳۲۱ ش)؛ چوگان‌بازی (۱۳۲۴ ش)؛ و هفت‌گنبد بهرام (نیمه‌تمام در ۱۳۲۱ ش)، که فقط دو گنبد سفید (جمعه) و بستش (شنبه) آن به‌پایان رسید (افشاری، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۹-۵۰). از زاویه چند نسخه قرآن تذهیب‌شده نیز به یادگار مانده‌است («استاد محمدعلی زاویه تذهیب‌نگار قرآن»، ص ۴۸). برخی از شاگردان او عبارت‌اند از: محمد تجویدی\*، محمدباقر آقامیری، و علیجان علیجان‌پور (← مجرد تاکستانی، ص ۱۹۷؛ «سیری در آثار علی‌جان علیجان‌پور: مینیاتورست معاصر»، ص ۱۹۶).

منابع: «استاد محمدعلی زاویه تذهیب‌نگار قرآن»، کیهان فرهنگی، سال ۲، ش ۳ (خرداد ۱۳۶۴)؛ احسان اعتمادی، «چند کلمه درباره نقاشی

نقاشی، ۱۳۸۱ ش، ص ۵۹ تصویر ۲

شهر زاهدان، سال ۱۳۹۴



ساخته شده است (این نقشه بر اساس داده‌های موجود در سال ۱۳۹۴ تهیه شده است)

نورمحمد و دینار محمدانی دانسته است. یگانه محصول کشاورزی آنجا نیز در آن زمان غله بوده است.

اهمیت یافتن و رشد تدریجی دزداب را باید حاصل تغییرات مرزی سیستان و بلوچستان در دوره ناصرالدین شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳) دانست. در پی جدایی بخش گسترده‌ای از بلوچستان و الحاق آن به هندوستان و نیز انضمام حدود دو سوم سیستان به کشور افغانستان به دست استعمارگران بریتانیایی، در فاصله ۱۲۸۸ تا ۱۳۲۳/۱۳۷۱-۱۹۰۵، مرزهای جدیدی برای دو منطقه بلوچستان و سیستان ایران ایجاد شد (به مخبر فروغ فسائی، ص ۵۴، ۱۰۶؛ رئیس طوسی، ۱۳۷۶ ش الف، ص ۶۰-۶۱؛ همو، ۱۳۷۶ ش ب، ص ۶۴-۶۵، ۷۲). این مرزهای جدید موقعیتی راهبردی برای ناحیه دزداب فراهم آورد، چه با دستیابی بر آنجا، تسلط بر سراسر بلوچستان ایران و جاده‌های منتهی به کرمان، سیستان و خراسان به سهولت میسر می‌شد (به حاج علی رزم‌آرا، ص ۱۲۲، ۱۶۶، ۱۸۴). در واقع، اهمیت نظامی و قرارگرفتن در مسیر بازرگانی هندوستان با ایران، منطقه دزداب را یک‌چند در کانون توجه سیاسی دو قدرت رقیب استعمارگر، یعنی بریتانیا و روسیه، قرار داد. از این رو نیروهای بریتانیایی با هدف الحاق منطقه سرحد به هندوستان، که دزداب نیز جزو آن بود، آنجا را در ۱۳۱۹/۱۹۰۱ اشغال کردند که این اقدام اعتراض شدید دولت ایران را در پی داشت. پس از آنکه روسیه تهدید کرد در صورت خارج‌نشدن نیروهای انگلیسی از آنجا، قسمتی از خراسان را ضمیمه خاک خود خواهد کرد، این نیروها ناگزیر به عقب‌نشینی شدند (کاظم‌زاده، ص ۴۰۰-۴۰۲، ۴۰۵).

در پی تغییرات ایجادشده در مرزهای سیستان و بلوچستان، دزداب به لحاظ تجارت با هند چنان اهمیت یافت که در ۱۳۱۹، دفتر گمرک جنوب شرق ایران در آنجا تأسیس شد، که یکی از ده مرکز اصلی گمرک کشور بود (به مستوفی، ج ۲، ص ۵۱؛ مالکی زابلی، ص ۱۸). آب‌وهوای منطقه و ظرفیت منابع آبی آن نیز، در مقایسه با دیگر نواحی سیستان و بلوچستان، مطلوب بود، از این رو از همان سالها پیش‌بینی می‌شد، دزداب در آینده مرکز منطقه شود (به ساینکس<sup>۱</sup>، ۱۹۰۲، ص ۹۳؛ نیز به ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، ج ۲، ص ۴۶۹).

این مزیتها زمینه ایجاد پایانه خط آهن هند - سیستان را در سالهای بعد فراهم آورد. در واقع انگلیسیها، که در جداسازی دزداب و نواحی پیرامون آن از ایران توفیق نیافته بودند، در پیروار جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۷/۱۹۱۴-۱۹۱۸) و رقابتهای قدرتهای بزرگ، بهانه اتصال راه‌آهن هند بریتانیا را به دزداب به دست آوردند. اندیشه توسعه این خط آهن، از سالهای

آغازین قرن چهاردهم/ بیستم، تحت تأثیر تصرف مرو به دست روسها در ۱۸۸۴/۱۳۰۱ و متعاقب آن، نفوذ روزافزون روسیه در ایران شکل گرفته بود. در میانه جنگ، به بهانه جلوگیری از پیشروی نیروهای آلمانی و عثمانی به افغانستان و هند، و رساندن تدارکات به نیروهای بریتانیایی، که به همین جهت شرق ایران را اشغال کرده بودند، این اندیشه عملی شد (مابرلی<sup>۲</sup>، ص ۲۹۶؛ دیکسون<sup>۳</sup>، ص ۴۹-۵۰؛ گریوز<sup>۴</sup>، ص ۹۱، ۱۰۰). عملیات توسعه این خط آهن در ایران، که ایستگاه نخست آن در آبادی میرجاوه بود، از ۱۳۳۳/۱۹۱۵ شروع شد و در دوم جمادی‌الاولی ۱۳۳۷/۱۹۱۹ به دزداب رسید (مابرلی، ص ۴۰۴، ۴۵۲؛ > روزنامه سیاسی ایژان <، ج ۶، ص ۳۹۷-۳۹۸؛ گریوز، ص ۱۰۱).

هم‌زمان با احداث خط آهن، جاده‌ای ماشین‌رو از دزداب تا مشهد کشیده شد که آنجا را به چند شهر تجاری وصل می‌کرد (مابرلی، ص ۴۵۲؛ دیکسون، ص ۹۴-۹۵، ۱۰۹؛ ساینکس، ۱۹۳۰، ج ۲، ص ۵۲۸). گفته شده که دولت انگلیس برای احداث این راه به طول حدود ۹۵۰ کیلومتر هفده‌هزار لیره هزینه کرده بود (مستوفی، ج ۳، ص ۱۴۳؛ کیهان، ج ۳، ص ۴۳۵).

افزون بر این طرحها، که دزداب را به بهترین مرکز تبادل کالا در جنوب شرقی ایران بدل کرده بود، وقوع دیگر تحولات بین‌المللی، رشد یکباره شهر را در پی داشت. فروپاشی روسیه تزاری در ۱۳۳۵/۱۹۱۷ موجب خروج اتباع، تعطیل کنسولگریهای آن کشور، و توقف تجارت گسترده ایران با روسیه شد. در نتیجه ایران به سوی کشورهای دیگر از جمله هند روی آورد؛ به طوری که با پایان یافتن جنگ جهانی اول و خروج نیروهای نظامی بیگانه از ایران، میزان واردات از هند به شرق کشور چهاربرابر و صادرات به دوبرابر رسید (دیکسون، ص ۲۶۲-۲۶۴، ۲۷۰-۲۷۱؛ > روزنامه سیاسی ایران <، ج ۶، ص ۳۹۹). بیشتر این مبادلات از طریق راه‌آهن دزداب انجام می‌شد، چنان‌که در ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲ واردات به پایانه دزداب ۱۲۷۰۰ تن و صادرات از این پایانه ۷۰۰۰ تن بود (> روزنامه سیاسی ایران <، همانجا). مقدار واردات از طریق قاجاق را نیز باید بر آن افزود. تجارت ایالت‌های خراسان، یزد و کرمان نیز با هندوستان، که پیش از احداث این راه از طریق بندرعباس انجام می‌شد، به سبب تسهیلات مسیر و پرداخت هزینه کمتر غالباً از طریق خط آهن دزداب صورت می‌گرفت (به همان، ج ۶، ص ۳۹۸-۳۹۹؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی»، دوره ۹، جلسه ۴۶). با تثبیت این مسیر تجاری، دزداب در ۱۳۰۹ ش با

1. Sykes

2. Moberly

3. Dickson

4. Greaves

5. Iran political diaries

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی»، دوره ۶، جلسه ۴۲؛ جهانبانی، ص ۱۱). همچنین بریتانیا در ۱۳۰۱ ش شعبه‌ای از بانک شاهنشاهی در این شهر تأسیس کرد که ضمن تسهیل مبادلات، میزان نفوذ و دخالت آن کشور را در امور دزداب و دیگر نواحی بلوچستان افزایش داد (به بهبودی، ص ۴۵۷، ۴۶۲، ۵۸۲، ۶۹۹).

هم‌زمان با این تغییرات، در اسفند ۱۳۰۱، حاکم دزداب، حامدالدوله، با ارسال نقشه‌ای از شهر دزداب به وزارت داخله و طرح شرایط توسعه آن، تغییر نام شهر را به ایرانشهر پیشنهاد کرد تا در صورت موافقت وزارت داخله، در مکاتبات رسمی به کار رود (همان، ص ۷۵۰). اما اشتها رنیافتن دزداب در سالهای بعد به ایرانشهر، نشانه عقیم ماندن این اقدام است.

با لشکرکشی دولت مرکزی در ۱۳۰۷ ش، که به نابودی قدرتهای محلی بلوچستان و تسلط کامل دولت بر آنجا منجر شد (جهانبانی، ص ۴-۳)، تحولات گسترده دیگری نیز در دزداب رخ داد. با تسلط مجدد دولت بر بلوچستان، دزداب مرکز سیستان و بلوچستان شد و نام آن ظاهراً به پیشنهاد سرلشکر امان‌الله جهانبانی (فرمانده لشکر اعزامی) به زاهدان تغییر یافت (به همان، ص ۱۱، پانویس ۳؛ نیز به مهرا، ص ۸۳؛ مالکی زابلی، ص ۱۸). به‌رغم روایتهای مختلف در مورد وجه تسمیه زاهدان (به نیکبختی، ص ۹۰؛ سیاسی، ص ۱۳)، انتخاب این نام در واقع کوششی بود برای پیوند دادن این شهر به پیشینه زاهدان کهنه، واقع در شرق شهر زابل، که تا پیش از ویرانی آن به‌دست تیمور گورکان در ۷۸۵، مرکز سیستان بود (به ذوالفقار کرمانی، ص ۸۸-۹۰، ۱۳۴، ۱۶۴؛ سایکس، ۱۹۰۲، ص ۳۸۴-۳۸۳؛ لندور، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۳۲). تغییر نام نصرت‌آباد به زابل در همان سالها نمونه دیگری از چنین رویکردی است (به زابل\*).

این نکته درخور توجه است که با وجود این تغییرات، مرکزیت زاهدان چندان پایدار نبود، چه پس از تسخیر بلوچستان، غالب امور اداری منطقه در دست نظامیان مستقر در خاش\* بود و آنان خواهان انتقال مرکز به خاش بودند. از این رو، با تغییر تقسیمات کشوری در پاییز ۱۳۱۶ ش، خاش مرکز بلوچستان از توابع استان کرمان، و زاهدان یکی از توابع شهرستان خاش شد (به ایران. قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، ص ۴؛ سیاسی، ص ۲۰-۲۱). در پی اعتراضات به این تغییر، در زمستان همان سال، شهرستان زاهدان به مرکزیت شهر زاهدان تشکیل شد (به ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش الف، ذیل «استان سیستان و بلوچستان»). این شهر، در

وارداتی، به ارزش ۵'۹۸۰'۷۳۰ تومان، پنجمین مرکز اصلی واردات و با صادراتی، به ارزش ۳'۰۵۱'۴۰۹ تومان، ششمین مرکز صدور کالای کشور شد (به کیهان، ج ۳، ص ۴۳۱). این رونق تجاری به جذب تاجران و کارگران از شهرهای مختلف خراسان، کرمان، یزد، منطقه سیستان، و به‌ویژه کشور هندوستان به دزداب انجامید (مهرا، ص ۸۳؛ سیاسی، ص ۴۱، ۷۶).

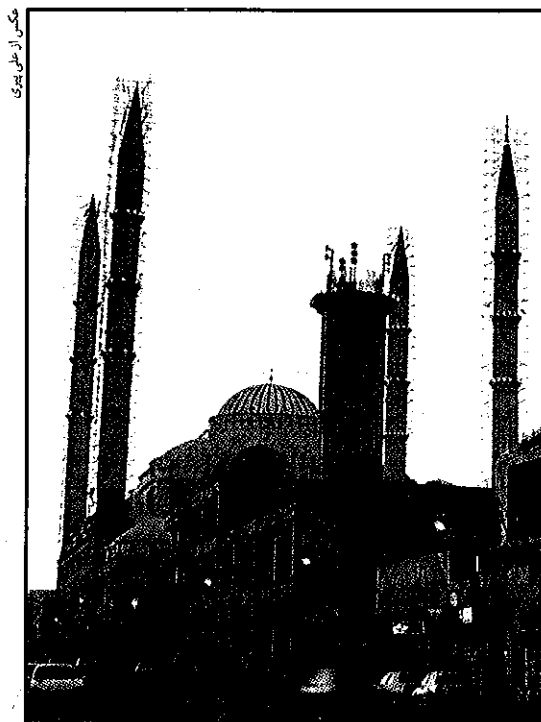
اهمیت روزافزون اقتصادی و نظامی دزداب موجب شد پس از پایان جنگ جهانی اول، برای نخستین بار حاکم دزداب را حکومت مرکزی در تهران تعیین کند که فردی با نام ارفع‌الممالک بود (به بهبودی، ص ۶۴۴). اهتمام اصلی او و جانشینش، حامدالدوله (منصوب در ۱۳۰۱ ش)، کاستن از نفوذ و دخالت نیروهای انگلیسی مقیم دزداب بود، چراکه آنها عشایر را با پرداخت حقوق به سرانشان، به خدمت گرفته بودند (به فراهانی، ص ۵۴۶، ۵۹۲؛ به بهبودی، ص ۴۱۷، ۵۴۲-۵۴۳، ۶۹۸؛ سیاسی، ص ۳۸).

دولت بریتانیا، در ۱۳۰۱ ش، قشون خود را از ایران فراخواند که رونق بیشتر تجارت دزداب را در پی داشت (به دیکسون، ص ۲۶۴-۲۶۵)، اما این اقدام که با تصمیم برچیده شدن خط آهن نوشکی - دزداب همراه شده بود، وضع شهر دزداب را متزلزل می‌ساخت. اگرچه دولت بریتانیا انصراف از این تصمیم را منوط به خرید خط آهن توسط ایران اعلام کرده بود، ظاهراً دولت ایران این خط آهن را، که بدون جلب رضایت دولت در خاک این کشور کشیده شده بود، از آن خود می‌دانست. سرانجام با واگذاری خطوط آهن ساخته انگلیسیها در هند به دولت این کشور، دولت هند راه آهن دزداب را، به شرط تعهد دولت ایران به حفاظت و تعمیر آن، به ایران واگذار کرد (به روزنامه سیاسی ایران، ج ۶، ص ۳۹۸؛ فراهانی، ص ۲۳۳، ۳۵۳، ۴۰۴). ظاهراً این تصمیم هندیها صرفاً به سبب تجارت گسترده و سودآور آن کشور از این مسیر، با ایران بود (به فراهانی، ص ۴۰۴؛ به بهبودی، ص ۵۸۲).

اگرچه خروج انگلیسیها از ایران، افزایش اقتدار دولت مرکزی را در سیستان و بلوچستان به همراه داشت، هم‌زمان با این اقدام، آنان در اواخر ۱۳۰۱ ش / ۱۹۲۳ نایب‌کنسول خود را به آنجا فرستادند و در میانه جنگ جهانی دوم، در ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲، کنسولگری خود را در آنجا به راه انداختند (به رابینو، ص ۶۴؛ به بهبودی، ص ۷۲۱). بهانه فرستادن نایب‌کنسول، کثرت شمار کارگران، بازرگانان و کارگزاران هندی و بعضاً انگلیسی مقیم دزداب بود که حدود سه هزار تن از جمعیت حدود پنج هزار تنی این شهر را تا ۱۳۰۷ ش تشکیل می‌دادند (به کتابخانه،

زاهدان در ۱۳۲۷ ش، نابسامانی امور اقتصادی کشور نوبنیاد پاکستان و به‌ویژه دریافت عوارض از کالاهای صادراتی ایران به مقصد هند، عامل این امر بود. درحالی‌که تجارت با هند از مسیر زاهدان مشمول دوبار عوارض در پاکستان و هند می‌شد، صدور کالا از طریق خلیج فارس برای بازرگانان ایرانی به‌صرفه‌تر بود؛ در نتیجه مسیر تجارت ایران با هند، بار دیگر به خلیج فارس بازگشت (← سیاست، ص ۱۰۸-۱۰۹). این تغییر، که کساد و وضع تجاری زاهدان را در پی داشت، به همراه خرابیهای سیلابهای ویرانگر در ۱۳۲۶ ش، ۱۳۲۸ ش و ۱۳۲۹ ش موجب بازگشت بسیاری از بازرگانان مقیم آنجا به شهرهای خود شد. البته کمکهایی مکرر دولت به محاسبات دیدگان و نیز در سالهای بعد، طرح احداث جاده زاهدان - چابهار، که این شهر را به دریای آزاد و بندر تجاری چابهار وصل می‌کرد (← کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی»، دوره ۱۵، جلسه ۶۰، دوره ۱۶، جلسه ۷، ۱۱۵، ۱۶۳؛ ایران، وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال، ج ۲، ص ۴۷۴؛ سیاست، ص ۱۰۶-۱۰۷، ۱۱۰)، و بازگشایی راه‌آهن زاهدان - پاکستان مانع زوال شهر زاهدان شد (← آل‌احمد، ص ۲۵۹؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۱۰۸، ص ۲۳).

به‌رغم اقدامات مذکور، با رشد نامتوازن امکانات خدماتی - رفاهی در زاهدان در مقایسه با سایر نواحی جنوب شرقی ایران، به‌ویژه پس از تشکیل استان سیستان و بلوچستان و ابقای مرکزیت زاهدان، مشکلاتی دیگر برای این شهر ایجاد شد. جمعیت زاهدان، که در ۱۳۲۸ ش کمتر از ده‌هزار تن بود (← حسینعلی رزم‌آرا، ج ۸، ص ۲۱۸؛ ایران، وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال، همانجا)، در ۱۳۹۰ ش با افزایشی ۵۶ برابری به بیش از ۵۶۰'۰۰۰ تن رسید (← مرکز آمار ایران، ص ۱۱۷). از عوامل اصلی رشد فزاینده جمعیت زاهدان، زوال تدریجی کشاورزی و دامداری در این استان است، که در نتیجه خشک‌شدن فرودست رودخانه هیرمند، بسیاری از مزارع و آبادیهای آنجا به بیابانی لم‌بزرع بدل شد. خشک‌شدن هیرمند نتیجه رقابت قدرتهای استعمارگر روس و انگلیس در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه (حک: ۱۳۱۳-۱۳۲۴) بود، چرا که بریتانیاییها برای پیشگیری از هرگونه حمله‌ای از طریق سیستان به هند، با الحاق بخش گسترده‌ای از این ایالت به افغانستان، تسلط کامل آب هیرمند را به افغانستان سپردند. با این وضع، در نتیجه بستن سد بر روی هیرمند و نیز توسعه کشاورزی در قسمت بالادست رود، آب این رود به ناحیه



مسجد مکی زاهدان، تاریخ عکس آبان ۱۳۹۴

۱۳۱۹ ش، به جایگاه ازدست‌رفته‌اش، مرکزیت سیستان و بلوچستان، بازگشت. در سالهای بعد نیز، طبق قانون وزارت کشور، ایرانشهر (فهرج بلوچستان) مرکز بلوچستان شد، اما آب‌وهوا و امکانات بهتر زاهدان مانع تمکین نیروهای اداری به این تصمیم گشت. سرانجام با تشکیل فرمانداری کل سیستان و بلوچستان در ۱۳۲۰ ش، مرکزیت زاهدان، که در میانه دو منطقه سیستان و بلوچستان واقع بود، تثبیت شد. به‌واسطه همین موقعیت جغرافیایی، کوشش مجدد در همین سال، هم‌زمان با تشکیل استان سیستان و بلوچستان، برای انتقال مرکز استان به ایرانشهر بی‌نتیجه ماند (← کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی»، دوره ۱۹، جلسه ۱۷ و ۱۲۹؛ سیاست، ص ۲۲).

با وجود افزایش اهمیت سیاسی زاهدان، پس از تعطیل پایانه خط آهن و عقب‌کشیدن این خط به خاک هند در ۱۳۱۱ ش، روند رشد زاهدان کاهش یافت (← خراسان در اسناد امین‌الضرب، ص ۱۸۹؛ حاج علی رزم‌آرا، ص ۱۲۱؛ مخبر فروغ‌فسانی، ص ۱۰۵؛ میسون، ص ۵). همچنین تجزیه هند و تشکیل کشور پاکستان در ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷، اقتصاد این شهر را کاملاً به ورشکستگی کشاند. به نقل از رئیس اتاق بازرگانی

سیاسی، ۱۳۹۰ ش؛ همو، ۱۳۹۳ ش، ذیل «استان سیستان و بلوچستان». جمعیت این شهرستان، براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس مسکن در ۱۳۹۰ ش، با احتساب شهر میرجاوه (تاریخ جدایی از زاهدان دی ۱۳۹۱)، ۶۶۰۵۷۵ تن بوده است که از این تعداد ۵۶۰۷۲۵ تن در شهر زاهدان، ۴۲۷۰ تن در شهر نصرت آباد و ۸۵۲۶۹ تن در روستاها سکونت داشته‌اند (← مرکز آمار ایران، ص ۷۹، ۱۱۷؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۱ ش).

از سرشماریهای رسمی، آمار دقیقی از تفکیک مذهبی در این استان در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که عر ۵۰٪ مردم شهر، که بلوچ‌اند، حنفی‌مذهب و مابقی شیعه باشند (← زندمقدم، ص ۳۱۹؛ هادیانی، ج ۲، ص ۴۸۵). براساس آمار دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل تسنن، در ۱۳۸۴ ش اهل سنت، ۱۲۴ باب مسجد و ۴ باب حوزه علمیه در شهر زاهدان داشته‌اند که از میان این مساجد، مسجد مکی از مهم‌ترین و نیز بزرگ‌ترین مسجد اهل سنت در ایران است. اما شمار مساجد، حسینیه‌ها و سایر نهادهای مذهبی شیعیان شهر ۹۱ باب بوده است (هادیانی، ج ۲، ص ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۶-۴۹۹).

همچنین دانشگاه سیستان و بلوچستان که در ۱۳۵۳ ش در شهر زاهدان راه‌اندازی شده، پس از پیروزی انقلاب اسلامی گسترش کمی و کیفی یافت. این دانشگاه با مساحت ۱۹۴ هکتار دارای یازده دانشکده در رشته‌های مختلف علوم پایه، انسانی و مهندسی و دو پردیس دانشگاهی است. ساختمان دانشگاه که از زیباترین بناهای دانشگاهی ایران محسوب می‌شود دارای بیش از هشتاد هکتار فضای سبز است (← دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۵ ش). همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، که در ۱۳۶۱ ش تأسیس شده، امروزه حدود چهارده‌هزار دانشجو در شش دانشکده در رشته‌های مختلف پزشکی و علوم پایه به تحصیل اشتغال دارند (← دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، ۱۳۹۵ ش).

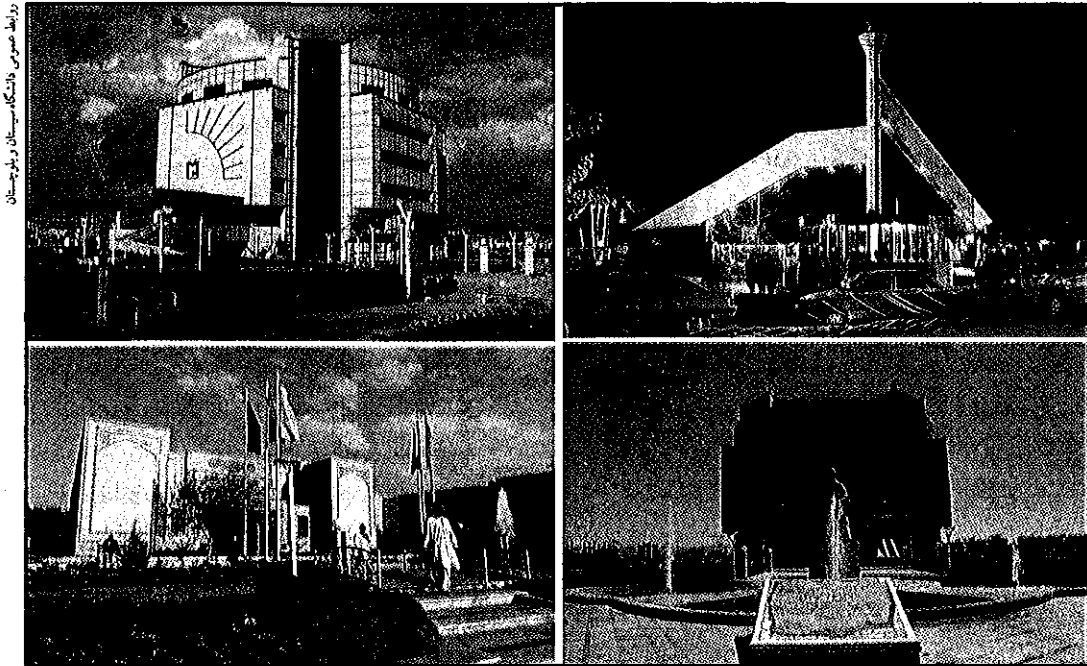
زاهدان، به سبب وضع نامساعد طبیعی، برای توسعه کشاورزی مناسب نیست، البته به سبب افزایش جمعیت در دهه‌های اخیر و کشف معادن متعدد، در زمینه‌های صنعتی و خدماتی رشد فزاینده‌ای یافته است. افزایش جمعیت موجب عرضه نیروی کار فراوان به بازار کار شده و زمینه مناسبی نیز برای به فروش رسیدن و مصرف کالاهای تولیدی و نیز عرضه خدمات شهری فراهم آورده است (هادیانی، ج ۲، ص ۵۱۴). پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در

سیستان در ایران نمی‌رسید (← رئیس طوسی، ۱۳۷۶ ش الف، ص ۶۱-۶۷، ۶۸). علاوه بر این خشکسالیهای دهه پنجاه شمسی، که عملاً موجب نابودی کشاورزی و دامداری بسیاری از اهالی استان شد، مهاجرت بیشتر روستاییان و عشایر را به زاهدان به دنبال داشت. همچنین از نیمه قرن چهاردهم، در نتیجه تحولات سیاسی افغانستان، مهاجرت تدریجی شمار کثیری از افغانان به زاهدان بر جمعیت این شهر افزود (افراخته، ص ۴۱-۴۲، ۴۴).

این رشد فزاینده تبعاتی بلندمدت برای زاهدان داشته است. زاغه‌نشینی حدود ۲۵٪ از جمعیت شهر، که ضمن مخدوش کردن سیمای ظاهری و فرهنگی زاهدان، تأمین امنیت آنجا را نیز دشوار ساخته، مهم‌ترین پیامد اجتماعی این وضع بوده است (همان، ص ۳۹-۴۲؛ ارباب، ص ۵۳). همچنین تأمین آب این جمعیت فزاینده عمدتاً از منابع زیرزمینی پیرامون شهر، محیط زیست زاهدان را، که متوسط بارندگی سالانه آن حدود ۷۶ میلیمتر است، با خطری جدی روبه‌رو کرده است. استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی منطقه موجب کاهش سطح منابع آب و تغییر طعم آن شد، از این رو از ۱۳۵۸ ش، آب شهر زاهدان از فاصله بسیار دورتری، از حدود زابل، تهیه می‌شود (افراخته، ص ۳۹، ۴۲).

شهرستان زاهدان از جمله خشک‌ترین و کم‌آب‌ترین شهرستانهای ایران است، در عین حال تفاوت محسوسی میان بخشهای جنوبی و شمالی آن وجود دارد. آب‌وهوای قسمتهای جنوبی شهرستان گرمسیری و قسمت شمالی و غرب آن نسبتاً معتدل، اما به سبب مجاورت با کویر لوت بسیار خشک است (حسینعلی رزم‌آرا، ج ۸، ص ۱۱۸؛ فرهنگ جغرافیائی آبادیها، ج ۱۰۸، ص ۲۱؛ جعفری، ج ۳، ص ۶۳۵). زمینهای این شهرستان، که عمدتاً شورزار و ماسه‌زار و دارای تپه‌ماهورهای گسترده است، چندان مناسب کشاورزی نیست. رودهای شهرستان به چند رودخانه فصلی کوچک از جمله لار، پیران، حرمک محدود می‌شود که فقط هنگام بارندگی یا در نهایت دو یا سه ماه از سال دارای آب هستند. میانگین بیشترین دمای مرکز شهرستان، ۲۶٫۵° و میانگین کمترین آن ۹٫۶° است. قله‌های مهم شهرستان، لوچان (۲۵۵۵ متر)، انجیردان (۲۴۸۷ متر)، پیرخان (۲۲۵۳ متر) و ملک‌سیاه (۱۶۰۵) هستند (جعفری، همانجا).

شهرستان زاهدان مشتمل بر بخشهای مرکزی، کورین و نصرت‌آباد؛ دهستانهای چشمه‌زیارت، حرمک، کورین، شورو، دو مک و نصرت‌آباد؛ و شهرهای زاهدان و نصرت‌آباد (تاریخ تأسیس ۱۳۷۹ ش) است (← ایران، وزارت کشور. معاونت



دانشگاه سیستان و بلوچستان

اما قدمت این آثار - به جز قبرستان هفتادملا، در روستای هفتادملا، ظاهراً از سده‌های نخست اسلام، و مقابر شیشه‌ریز در روستای شیشه‌ریز، بازمانده از دوره سلجوقی - به اواخر دوره قاجار و پهلوی می‌رسد. از جمله این آثار که در شهر زاهدان واقع‌اند، مسجد فیض‌الرحمان، بازار سرپوش، ساختمان دادگستری، ساختمان قدیمی پست (از دوره قاجار)، ساختمان پست (دوره پهلوی)، خانه زعیم، منزل شمسی، و منزل حیدریان است. از آثار سایر شهرها و روستاهای شهرستان زاهدان اینها هستند. تلگراف‌خانه حرمک، بقایای روستای چاه دیوان در روستای بگ، و پاسگاه بین‌راهی انگلیسیها در مسیر زاهدان به کرمان (از دوره پهلوی). همه این آثار در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌است (پازوکی طرودی و شادمهر، ص ۲۲۲-۲۲۳).

منابع: جلال آل‌احمد، کارنامه سه ساله، تهران ۱۳۵۷ ش؛ حسن افراخته، «مسائل ناشی از توسعه شهری در ایران: مطالعه موردی زاهدان»، رشد آموزش جغرافیا، ش ۳۹ (زمستان ۱۳۷۴)؛ ایران. قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران، مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶، چاپ اول، تهران [بی‌تا]؛ ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ج ۲، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی. دفتر تقسیمات کشوری، نشریه اسامی عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری، تهران ۱۳۹۳ ش؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرستانهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش؛ همو،

۱۳۵۷ ش، زاهدان از نظر معادن و صنایع بسیار فقیر بود. پس از آن، از حدود هجده معدن در این شهرستان بهره‌برداری شد، از جمله معادن مس، کرومیت، منیزیت، سنگهای تزئینی، سنگ لاشه و گل سفید. بخشی از این مواد معدنی، به ویژه کرومیت، به خارج از کشور صادر می‌شود (همان، ج ۲، ص ۵۲۷، ۵۳۱-۵۳۲).

بر اثر بهره‌برداری از این معادن و رشد فزاینده جمعیت، در دهه‌های اخیر صنایع این شهرستان رشد نسبتاً مناسبی داشته‌است که از جمله آنها صنایع ساختمانی، تولید محصولات فلزی و الکتریکی، مواد غذایی، نساجی، صنایع کاغذی و شیمیایی است. بخشی از این صنایع در قالب شهرکهای صنعتی، مانند شهرک صنعتی زاهدان کارگاهی، شهرک صنعتی زاهدان و شهرک صنعتی زاهدان کامبوزیا ساماندهی شده‌اند. بر این اساس نسبت افراد شاغل در بخش صنعت از ۲۸٫۳٪ در ۱۳۳۵ ش، به ۳۵٫۳٪ در ۱۳۷۵ ش افزایش یافته‌است (همان، ج ۲، ص ۵۱۶، ۵۳۴-۵۳۵، ۵۳۹-۵۵۰).

خدمات دولتی و خصوصی شکوفاترین بخش اقتصادی شهر است، به نحوی که در ۱۳۷۵ ش، هر ۶۰٪ شاغلان این شهر در بخش خدمات فعال بوده‌اند. البته بخشی از این افراد در حمل و فروش اجناس لوکس خارجی و کالای قاچاق فعالیت می‌کنند (همان، ج ۲، ص ۵۱۷، ۵۵۳-۵۵۴).

شهرستان زاهدان دارای آثار و بناهای متنوع قدیمی است؛

عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، کل کشور. تهران ۱۳۹۱ ش؛ عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، یا، تأریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران ۱۳۷۷ ش؛ محمد مهران، «سرگذشت دادشاه بلوچ»، ارمغان، دوره ۳۲، ش ۲ (ردیبهشت ۱۳۴۲)؛ سعید نیکبختی، آهنگ بلوچستان: سفرنامه، [مشهد] ۱۳۷۴ ش؛ زهره هادیانی، «تعامل فضا، فرهنگ و قدرت در سازمان‌یابی فضایی شهر زاهدان»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۵ ش؛ اقبال یغمائی، بلوچستان و سیستان: سرزمین نژاده مردمان و پهلوانان سخت کوش، [تهران] ۱۳۵۵ ش؛

Eliza Arbab, "Function of social capital in sustainable urban development, case: Zahedan city (Iran)", M. S. thesis, Uppsala University, 2011; William Edmund Ritchie Dickson, *East Persia: a backwater of the great war*, London 1924; Rose L. Greaves, "Sistān in British Indian frontier policy", *BSO[4]S*, vol.49, no.1 (1986); *Iran political diaries: 1881-1965*, vol.6, ed. R.M. Burrell, Slough, Engl.: Archive Editions, 1997; Arnold Henry Savage Landor, *Across coveted lands, or, A journey from Flushing (Holland) to Calcutta, overland*, New York 1903; Kenneth Mason, "The Himalaya as a barrier to Moderncommunications", *The Geographical Journal*, vol.87, no.1 (Jan. 1936); Frederick James Moberly, *Operations in Persia: 1914-1919*, London 1987; Hyacinth Louis Rabino, *Great Britain and Iran: diplomatic and consular officers*, [n.p.], 1946; Sir Percy Molesworth Sykes, *A history of Persia*, London 1930; idem, *Ten thousand miles in Persia, or, Eight years in Iran*, New York 1902.

/ مرتضی دانشیار /

**زاهد گیلانی**، تاج‌الدین ابراهیم‌بن روشن‌بن امیر شیخ بندار سنگانی، عارف قرن هفتم در گیلان، مرشد شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی\* احتمالاً موطن اجداد او سنجان / سنگان، یکی از روستاهای خواف خراسان، بود که از آنجا به گیلان مهاجرت کردند (ب گیلک، ص ۳۳). خانواده او از دهخدایان سرشناس گیلان بودند و به کشاورزی اشتغال داشتند. زاهد گیلانی در ۶۱۵ در ساورد / سیاورد گیلان زاده شد (ابن‌بزاز، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ گیلک، ص ۳۳، ۸۸).

براساس برخی منابع، زاهد گیلانی مرید سیدجمال‌الدین تبریزی بود (ابن‌بزاز، ص ۱۸۰؛ نظمی‌افندی<sup>۱</sup>، توضیحات

نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش<sup>۲</sup>؛ هدایت‌الله بهبودی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۲، تهران ۱۳۸۸ ش؛ ناصر پازوکی‌طرودی و عبدالکریم شادمهر، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی: از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴، تهران ۱۳۸۴ ش؛ پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۱ ش.

Retrieved Sept.15, 2015, from <http://www.dolat.ir/nsite/fullstory/news/?serv=1&id=223430>;

جعفری؛ امان‌الله جهانبانی، عملیات قشون در بلوچستان از مرداد تا بهمن ۱۳۰۷ ش، تهران ۱۳۳۶ ش؛ خراسان در اسناد امین‌الضرب: سالهای ۱۲۸۲-۱۳۵۰ ق، چاپ نرگس پدram و مژده مهدوی، تهران: ثریا، ۱۳۹۰ ش؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، ۱۳۹۵ ش.

Retrieved Mar. 26, 2016, from <http://iauzah.ac.ir/page>;

دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۵ ش.

Retrieved Mar. 26, 2016, from <http://www.usb.ac.ir/Units.aspx? Culture=fa-ir & UnitID = 33 & MenuID=137>;

ذوالفقار کرمانی، جغرافیای نیمروز، تهران ۱۳۷۴ ش؛ حاج علی رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران: مکران، تهران ۱۳۲۰ ش؛ حسینعلی رزم‌آرا؛ رضا رئیس طوسی، «استراتژی سرزمینهای سوخته: سیستان در احتضار»، تاریخ معاصر ایران، سال ۱، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۶ ش الف)؛ همو، «استراتژی سرزمینهای سوخته: سیستان و نخستین گامهای نفوذ استعمار»، تاریخ معاصر ایران، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۶ ش ب)؛ محمود زندمقدم، «بلوچستان ایران: هویت، تاریخ، دگرگونی» (مصاحبه)، در ایران: هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳ ش؛ قاسم سیاسی، تاریخ پیدایش زاهدان: فرارز و فرود زاهدان، زاهدان ۱۳۸۲ ش؛ حسن فراهانی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۱، تهران ۱۳۸۵ ش؛ عبدالحسین میرزا فرمانفرما، مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان: بلوک‌گردشی به مدت سه ماه، ۲۱ جمادی‌الثانیه تا ۲۵ رمضان ۱۳۱۱ قمری، چاپ ابرج افشار، تهران ۱۳۸۳ ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبیادهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۰۸-۱۰۷، شوره‌گز-زاهدان، تهران: اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۴ ش؛ فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴: پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران ۱۳۵۴ ش؛ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴ ش.

Retrieved Sept.15, 2015, from <http://www.ical.ir/index.php?option=com-content & view=article & id=2379&Itemid=14>;

کیهان؛ حاجی‌خان مالکی زاپلی، خاطرات سی سال زندگی و کار در بلوچستان، زاهدان ۱۳۸۷ ش؛ محمدعلی مخبر فروغ فسائی، مرزهای ایران، تهران ۱۳۲۴ ش؛ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری